



امرگ / خدا | وودی آلن | شهرام زرگر | 

مرگ/ خدا | مجموعه طنزهای وودی آلن |
نجمه: شهرام زرگر | ویراستار: هدیه رهبری |
مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نضاعبدیان |
صفحه‌آرایی: آلا شوپز | نمونه‌خوان: فرشید گرد مافی |

مدیر تولید: مصطفی شریفی |
چاپ سوم | ۱۳۹۸ تهران | ۵۰۰ نسخه |

شابک: ۳-۴۶-۷۸۰۶-۶۰۰-۹۷۸ |
تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۳۷۴ |

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵-۶۶۹۶۳۶۱۷ |
همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

bidgolpublishing.com |



سرشناسه: آلن وودی، ۱۹۳۵ م. Allen, Woody |
عنوان و نام پدید آور: مرگ/ خدا / وودی آلن؛ مترجم شهرام زرگر. |

مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۵. |
مشخصات ظاهری: ۱۶۴ ص. |

شابک: ۳-۴۶-۷۸۰۶-۶۰۰-۹۷۸ |
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا |

یادداشت: عنوان به انگلیسی: Death / God |

موضوع: نمایشنامه آمریکایی -- قرن ۲۰ م. |

موضوع: American drama -- 20th century |

شناسه افزوده: زرگر، شهرام، ۱۳۴۴ - . مترجم |

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۴ / ۹ / PS ۳۵۵۱ |

رده‌بندی دیویی: ۵۴/۸۱۳ |

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۳۳۲۶۶ |

A high-contrast black silhouette of a person's head and shoulders, facing slightly to the right. The silhouette is set against a plain white background. In the center of the face area, there is a white rectangular box containing three lines of Persian text. The text is written in a simple, black, sans-serif font. The first line reads 'فهرست' (Index), the second line reads 'مرگ' (Death) with the number '۱۹' to its left, and the third line reads 'خدا' (God) with the number '۱۷۳' to its left.

فهرست
۱۹ | مرگ
۱۷۳ | خدا

| مرگ |

(پرده به روی کلاینمن^۱ که در تختخوابش خوابیده باز می شود.
ساعت دو بعد از نیمه شب است. ضرباتی به در می خورد تا اینکه
بالآخره کلاینمن با سعی و تقلا زیاد از خواب بلند می شود.)
کلاینمن: هان؟
صداها: درو واکن! هی... بجنب، می دونیم که اون تویی!
واکن درو! یالا واکن!...

کلاینمن: هان؟ چی؟

صداها: زود باش، واکن!

کلاینمن: چی؟ صبر کنین! (چراغ را روشن می کند.) شما؟

1. Cleinman

صداها: یاالا، واکن! بجنب!

کلاینمن: کی هستین؟

صدا: بجنب کلاینمن... زود باش.

کلاینمن: هکر... این صدای هکره. هکر؟

صدا: کلاینمن، می شه درو واکنی؟

کلاینمن: اومدم، اومدم. خواب بودم... صبر کن! (با تقلای زیاد

و تلو تلو خوران به راه می افتد. به ساعت نگاه می کند.) خدای

من، ساعت دو و نیمه... اومدم، یه دقیقه صبر کن.

(در را باز می کند و نیم دو جین مرد وارد می شوند.)

هنک^۲: محض رضای خدا کلاینمن، گری مگه؟

کلاینمن: خواب بودم خب. ساعت دو و نیمه. چه خبر شده؟

ال^۳: ما بهت احتیاج داریم. لباست رو بپوش.

کلاینمن: چی؟

سام^۴: زود باش کلاینمن. زیاد وقت نداریم.

کلاینمن: موضوع چیه؟

ال: یاالا، راه بیفت.

1. Haeker
2. Hank
3. Al
4. Sam

کلاينمن: راه بيغتم کجا؟ الان نصف شبه هکر.

هکر: بيدار شو خب.

کلاينمن: قضيه چيه؟

جان: خودتوبه خريت نزن.

کلاينمن: کي خودشو به خريت مي زنه؟ من غرق خواب بودم.

به خيالتون ساعت دو ونيم بعد از نصف شب چي کار

مي کردم؟ مي رقصيدم؟

هکر: ما به هر کي دم دسته احتياج داريم.

کلاينمن: واسه چي؟

ويکتور: تو چه مرگت شده کلاينمن؟ مگه کجا بودي که قضيه

رونمي دوني؟

کلاينمن: داريد در مورد چي صحبت مي کنيد؟

ال: يه بسيج مردمي.

کلاينمن: چي؟

ال: بسيج مردمي جست و جو و دستگيري قاتل.

جان: ولي اين دفعه با نقشه.

هکر: و محاسبات دقيق.

1. John
2. Victor

سام: یه نقشهٔ حسابی.

کلاینمن: ... خب هیچ کی نمی خواد بهم بگه واسه چی

اینجایید؟ آخه من با لباس زیر سردمه.

هکر: بذار فقط بگم که ما به هرچی که بهمون کمک کنه

احتیاج داریم. حالا لباس تنت کن.

ویکتور: (تهدیدآمیز) وعجله کن.

کلاینمن: باشه، می رم لباس می پوشم... فقط می شه بدونم

قضیه چیه؟

(بانگرانی مشغول پوشیدن شلوار می شود.)

جان: قاتل شناسایی شده، دوتا زن دیدنش که داشته

می رفته توی پارک.

کلاینمن: کدوم قاتل؟

ویکتور: کلاینمن، الان وقتِ وراجی کردن نیست.

کلاینمن: کی وراجی می کنه؟ خب کدوم قاتل؟ من غرق خوابم...

یهو سرزده می ریزین تو...

هکر: قاتل ریچاردسون^۱... قاتل جمپل^۲.

ال: قاتل مری کیلتی^۳.

1. Richardson

2. Jampel

3. Mary Quilty

سام: همون دیوونه هه .

هنک: همون آدم خفه گُنه .

کلاینمن: کدوم دیوونه هه؟ کدوم آدم خفه گُنه؟

جان: همونی که پسر آیسلر رو کشت و جنسن^۲ رو با سیم پیانو خفه کرد.

کلاینمن: جنسن؟... همون نگهبان گُنده هه؟

هکر: خود شه. از پشت سر غافلگیرش می کنه و می کشدش

بالا و سیم پیانورو می بیچه دور گردنش. وقتی پیداش

کردن کبود شده بود و تُف گوشه دهنش یخ زده بود.

کلاینمن: (به دور و بر اتاق نگاه می کند). آ... خب، ببینید، من فردا

باید برم سر کار...

ویکتور: بجنب کلاینمن، ما باید قبل از حمله بعدی جلوشو

بگیریم.

کلاینمن: ما؟ ما یعنی من هم؟

هکر: به نظر نمی آد پلیس بتونه جلوشو بگیره.

کلاینمن: خب، پس باید عریضه و شکایت بنویسیم. من اول

صبح این کارو می کنم.

1. Eisler
2. Jensen

هکر: کلایمن، اونا هر کاری از دستشون بریاد می‌کنن، ولی
گیج شده‌اند.

سام: همه گه گیجه گرفته‌اند.

ال: نکنه می‌خوای بگی چیزی در این باره نشنیدی؟
جان: باور کردنش سخته.

کلایمن: خب، راستش اینه که... الآن بازارداغی فروشه، هم
سرمون شلوغه... (آن‌ها به او اعتنا نمی‌کنند). حتی وقت
نمی‌کنیم ناهار بخوریم... اونم من که عاشقِ خوردنم...
هکربهتون می‌گه که من عاشقِ خوردنم.

هکر: ولی این ماجرای وحشتناک مدتیہ ادامه داره. مگه تو
اخبارو گوش نمی‌کنی؟

کلایمن: فرصتشوندارم.

هکر: همه وحشت زده‌اند. مردم نمی‌تونن شباً توی خیابونا
قدم بززن.

جان: خیابونا پیشکش. خواهران سایمون^۱ توی خونه کشته
شدن، چون درو قفل نکرده بودن. خرخره‌هاشون گوش
تا گوش بریده شده بود.

کلایمن: گمونم گفتی اون اهلِ خفه کرده.

جان: کلایمن، بچه نشو.

کلایمن: حا... حالا که این جور می‌گید، می‌تونم روی این دریه قفل تازه بذارم.

هکر: وحشتناکه. هیچ‌کی نمی‌دونه اون دوباره کی حمله می‌کنه.

کلایمن: ماجرا از کی شروع شد؟ نمی‌دونم چرا چیزی به گوشم نخورده بود.

هکر: اول یه جسد، بعد یکی دیگه، بعدم بیشتر. شهر غرق وحشته. همه به جز تو.

کلایمن: خب، خیالت راحت باشه چون دیگه منم وحشت زده‌ام. هکر: توی ماجراهایی که پای یه دیوونه در میونه کار مشکله.

نه که انگیزه‌ای وجود نداره، کارا پیش نمی‌ره.

کلایمن: هیچ‌کی نبوده که مورد سرقت، تجاوز، یا یه قلقلک جزئی قرار گرفته باشه؟

ویکتور: فقط خفه شده‌ن.

کلایمن: حتی جنسن... اون خیلی خرزوره.

سام: خرزور بود. الان زبونش از دهنش زده بیرون و رنگش کبود شده.

کلایمن: کبود... رنگِ برازنده‌ای واسه یه مرد چهل ساله نیست...